

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سقوط خلافت و پاسخ این فاجعه بزرگ



(ترجمه)

۲۸ رجب ۱۳۴۲ هـ ق برابر با ۳ مارچ ۱۹۲۵ م، مصادف است با آخرین روز سقوط خلافت اسلامی که سلطان عبدالمجید خلیفه عثمانی در استانبول تبعید گردیده و آخرین دولت که قانون الله سبحانه و تعالی را به طور حقیقی تطبیق می نمود از بین برده شد و بجای آن نظام سکولریزم به میان آمد. در یاد بود از این فاجعه وحشت ناک، این یک امر ضروری است تا ما بدانیم که در قرن اخیر چی چیزی با اهمیت را از دست داده ایم و الله سبحانه و تعالی در مقابلش از ما چی می خواهد.

اهمیت خلافت در زنده گی مسلمانان

خلافت اسلامی مانند دیگر نظام های بشری نیست. این نظام، نه مانند ملوک الطوائفی یا سلطنتی مطلقه بوده که یک گروهی خاص سلطنت را به ارث ببرند، نه مانند کمونیزم که اساس همه چیز را ماده بیندارد و نه هم مانند نظام سرمایه داری است که از سازش بین روحانیون و بخره گان فکری این نظام به جود آمده باشد. بلکه خلافت اسلامی نظام است که توسط خالق کاینات برای بشر وحی شده، با عدالت و مهربانی الله سبحانه و تعالی استوار بوده و برای نخستین بار توسط پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از قناعت دادن قبایل یثرب در مدینه تاسیس و سپس به منصفی تطبیق در آمد. پیامبر صلی الله علیه و سلم تمام نظام های اجتماعی، اقتصادی، عدلی و... که از طرف الله سبحانه و تعالی برایش وحی شده بود، تطبیق نموده و بر همه ادیان و مذاهب دیگر نیز فایق آمد.

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و سلام احساس کرد که عمر مبارک شان به آخر رسیده، خطاب به اصحاب فرمودند: «همیشه مصالح قوم بنی اسرائیل توسط پیامبران تنظیم می شد. اگر در آن زمان یک پیامبر وفات می نمود پیامبر دیگر برای شان فرستاده می شد. بعد از من پیامبر دیگر نخواهد آمد، بجای پیامبر خلیفه یا جانشین خواهد آمد که تعداد شان بسیار خواهد بود.» اصحاب رضی الله عنهم اجمعین پرسیدند: شما به ما چی حکم می کنید؟ پیامبر صلی الله علیه و سلام پاسخ داد: «شما به آن ها بیعت نمایند (سوگند وفاداری) یکی پس از دیگر به آن ها حق شان را بدهید، در این صورت بدون شک الله سبحانه و تعالی از آن ها درباره ی مسوولیت های شان خواهد پرسید.»

بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و سلام، اصحاب در اجرای این امر بسیار نگران بودند تا که حضرت ابوبکر صدیق را به حیث خلیفه خود انتخاب نمودند. قبل از تدفین جنازه پیامبر صلی الله علیه و سلام، به جا آوردن این امر به طور جدی بیان گر

مهم بودن تعیین خلیفه در هر شرایط و زمان می تواند باشد. بدون شک در آن زمان تحت حاکمیت خلافت اسلامی، امت اسلامی شاهد عدالت، رفا و موفقیت های زیادی بوده و پیام اسلام نیز به تمام نقاط جهان می رسید. حتا بعد از ختم این دوره ی تاریخی با وجود حکومت های دست نشانده در سرزمین های اسلامی، هنوز هم این امت خواستار تطبیق نظام اسلام بوده و مصالح شان را می خواهند مطابق این نظام حل و فصل نمایند.

در اواخر قرن ۱۹ و در آغاز قرن ۲۰، که خلافت اسلامی به سوی انحطاط روان بود، افکار نظام های کفری؛ چون: دموکراسی، لیبرالیسم و سیکولریزم در اذهان مسلمانان رخنه نموده و اسلام را توانستند با این افکار نیز هم نوا سازند که امروز در نتیجه آن، نظام ملیت گرایی-بدترین نظامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در زمان خود او را از میان برداشت- در سرزمین های اسلامی حاکم شد، و این حمله فکری بالای امت مسلمه در سال ۱۹۲۴م در دوران حاکمیت مصطفی کمال اتاترک به اوج خود رسید تا در نهایت خلافت اسلامی توسط این مزدور و با همکاری بادران اش از میان برداشته شد.

امت اسلامی سپر خود را از دست داده اند

ما مسلمانان بعد از سقوط خلافت، شاهد تراژیدی های زیادی بوده ایم. امروزه از کوه های فلپین شروع تا دره های کشمیر و جنگلات کریمیه، ما شاهد مکیدن خون مسلمانان توسط کفار هستیم. ما شاهد اشغال مکان مقدس مسلمانان(قدس) توسط دولت صهیونیستی نیز می باشیم که فریادهای مردم آن سرزمین زخمی است بر پیکر ما امت اسلامی. و ما شاهد هستیم که چطور جهان کفر سیستم پلید اقتصادی و اجتماعی خود را در سرزمین های ما تطبیق نموده، معادن ما را به غارت برده و نهادهای اجتماعی ما را نیز ضعیف ساختند.

جالب این جاست که در میان ما امت اسلامی، رهبران هستند که شجاعت و ایستاده گی در مقابل دشمنان این امت را نداشته و آن ها کسانی هستند که در اشتیاق کمک کردن در ویرانی و به غارت بردن سرزمین های اسلامی همراه دشمنان ما هستند. آن ها برای رسیدن به قدرت و مادیات زنده گی، خلاف وعده یی که این امت به الله سبحانه و تعالی و رسول اش داده است؛ عمل می نمایند. در میان این همه هرج و مرج، باز هم مسلمانان امیدوار به وعده های الله سبحانه و تعالی بوده و در تلاش یک راه حل مناسب نیز می باشند. اما متأسفانه بعضاً دیده می شود، ما افکار خود را طوری تنظیم نموده ایم که فکر می کنیم اگر مسلمانان این و آن را انجام دهند، سرزمین های ما متحد شده و رهبران ما از این طریق نیز به حق دست پیدا می کنند. مگر این را فراموش کرده ایم که راه حل واقعی در نظام اسلام و در مفاهیم اسلامی بسیار روشن ارایه گردیده است. زیرا اگر نظام ما آن نظام است که ما ادعا می کنیم و یا خالق ما آن خالق است که ما به آن ایمان داریم و این نظام ما را حتا در رفتن بسوی تشناب رهنمایی کرده است، پس بدون شک در این قضیه حیاتی هدایت او سبحانه و تعالی و راه حل این نظام(اسلام) سخت نیاز است. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَتَّقِي بِهِ.»

(رواه مسلم)

ترجمه: در حقیقت امام مانند سپر است که در عقب آن شما می جنگید و حافظت می شوید.

پیدا کردن یک راه حل و طریقه جدید برای امت چالش نیست، بلکه چالش ما به حیث یک امت واحد این است که دوباره سپر خود را برداشته و خلافت واقعی اسلامی را نیز تاسیس نماییم که آن هم با از سر گرفتن زنده گی اسلامی طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر ما الگوی آوردن آن را دقیق ترسیم نموده است.

کارکردهای اصحاب رضی الله عنهم اجمعین:

در حال حاضر ما مسلمانان کسانی هستیم که بدون خلافت اسلامی بسر می بریم. در گذشته ها این امت هیچ وقت برای چنین یک زمانی طولانی بدون خلیفه و خلافت نبوده اند. نبودن خلافت اسلامی این را به ما نشان می دهد که، این تراژیدی ها

توسط دشمنان اسلام ادامه خواهد داشت. اما به یاد داشته باشیم که، در این آزمون فرصت های بزرگ برای ما مساعد شده است. بحیث یک مسلمان اگر دیده شود، ما داری یک فرصت بی همتا در عصر خود هستیم. همان گونه که در فوق اشاره شد، در گذشته ها این مسوولیت بزرگ را تنها پیامبران و همراه هان شان به پیش می بردند. اما امروز ما فرصت انجام دوباره تمام این مسوولیت های پیامبر صلی الله علیه وسلم را پیدا کرده ایم تا دین الله سبحانه و تعالی را از سر اعاده نموده و مستوجب بزرگ ترین پاداش شویم. بر ما واجب است که سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم را به منظور این که، چطور وی صلی الله علیه وسلم با کمک یک گروه کوچک و ستم دیده، بزرگ ترین تمدن جهان را به میان آورد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.»

(رواه مسلم)

ترجمه: هر کسی که بدون بیعت با خلیفه بمیرد مرگ وی مرگ جاهلیت است.

در این حدیث "مرگ جاهلیت" بیانگر این است که بدون خلیفه و داشتن خلافت اسلامی برای مسلمانان شرعاً ناجایز بوده و داشتن خلیفه از جمله ی واجبات و مهم است. چنان چه امامان؛ چون: قرطبی، جوینی، دهلوی، نووی و امامان بی شمار دیگر در این مسأله توافق نظر داشته اند.

تعهد الله سبحانه و تعالی

برگشت خلافت وعده الله سبحانه و تعالی است. قسمی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در یک حدیث طولانی دیگر بیان می دارد که این امت شاهد ناهنجاری های زیادی سیاسی به شمول نظام ظالم که حالا بر ما حاکم است؛ خواهد بود. در آخر این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«...ثم تكون خلافة على منهاج النبوة.»

(رواه احمد)

ترجمه: و بعداً خلافت تاسیس خواهد شد به طریق نبوت.

الله سبحانه و تعالی ما را از جمله کسانی که وعده اش را بجا می آورند گرداند که این شاید یگانه وسیله نجات ما در روز محشر باشد. الله سبحانه و تعالی خلافت اسلامی را نصیب ما امت اسلامی گرداند. خلافتی که اسلام را به طور کامل و عادلانه پیاده نموده و دارالاسلام را در قلب سرزمین های اسلامی مانند یک برج هشدار دهنده به تمام کفار در سراسر جهان تاسیس نماید.

(يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)

[صف: ۸]

ترجمه: آنان می خواهند نور الله سبحانه و تعالی را با دهان خود خاموش نمایند، ولی الله سبحانه و تعالی نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.

حزب التحریر کاناډا

۲۴ رجب ۱۴۳۸ هـ ق

۲۱ اپریل ۲۰۱۷ م